

نقش رسانه و مطبوعات در تصمیمات کیفری قضات و اجرای احکام مبتنی بر عدالت

وحیده ترزیمی نژاد، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

عهده‌دار مکاتبات V-tarzaminejad@iau-arak.ac.ir

شهرام جمشیدی، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک

تاریخ دریافت مقاله: شهریور ۹۳ تاریخ پذیرش نهایی: آذر ۹۳

چکیده

دادگستری و قوه قضائیه به‌عنوان مرجع رسیدگی به دعاوی و تظلمات مردم و مرجع رسیدگی به شکایات و اختلافات حقوقی و کیفری مردم، از جایگاهی بس مهم در نظام حقوقی ایران به‌مانند بیشتر کشورها برخوردار است که بهره‌مندی از نظام دادرسی عادلانه، مستقل و دادگستری شایسته، همسو با معیارها و هنجارهای حقوق بشری در رسیدگی به دعاوی، موجب تحقق دادرسی عادلانه و عدالت قضایی می‌شود، که در این راستا هدف اصلی قوه قضائیه حفظ استقلال قضایی و توجه به مبانی و اصول حقوقی در آئین دادرسی مبتنی بر اصل بی‌طرفی می‌باشد که گاهی در مقام مجری عدالت در توجیه عملکرد، اقدامات، طرح‌ها و برنامه‌های خویش و همچنین اجرای احکام متهمین، در فضا سازی‌های رسانه‌ای دچار مشکل می‌شود.

در همین ارتباط، اساساً این سؤال مطرح است که «آیا رسانه و مطبوعات بر استقلال قوه قضائیه و اجرای احکام مبتنی بر عدالت تأثیر گذار است» که برای تبیین آن گردآوری مطالب به روش توصیفی - تحلیلی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به شکل فیش برداری انجام شد و نتایج منتج به این امر شد که خدشه‌دار شدن استقلال قضایی و قضاوت امر قضا در مواردی از سوی فضا سازی‌های رسانه‌ای صورت می‌گیرد.

واژگان کلیدی

رسانه، بی‌طرفی، قوه قضائیه، استقلال قضایی، استقلال قاضی، اسناد بین‌المللی.

مقدمه

رسانه‌های جمعی می‌توانند بر الگوهای موجود حیات و حقوق انسانی از جمله نهادهای قضایی و کارکرد آن تاثیر گذار باشند. بر این اساس امروزه در نظام‌های مردم سالار و قانونمدار از نظر قوانین فراملی و حقوق بشری، نقش قضات در فرآیند احقاق حق و بهره‌مندی از حق محاکمه عادلانه - مرکب از حق دادخواهی و جق دفاع استقلال قاضی - از ارکان مهم دادرسی عادلانه می‌باشد و این در حالی است که اجرای عدالت به‌عنوان یکی از آرمان‌ها و آرزوهای دیرین جامعه به موجب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر عهده قوه قضائیه می‌باشد. در مقدمه قانون اساسی آمده است: «مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در خط حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی، از این رو ایجاد سیستم قضایی بر پایه عدل اسلامی و متشکل از قضات عادل و آشنا به ضوابط دقیق دینی پیش‌بینی شده است. و در این رهگذر نظارت قانونمند افکار عمومی نیز مورد توجه می‌باشد، که این تحقیق به بررسی ابعاد حاکمیت قانون، بر استقلال قوه قضائیه تاکید ورزیده و صدور و اجرای احکام قضایی مبتنی بر تلفیق مبانی قانونی، آثار اجتماعی و پیامدهای حکم، عمل مجرمانه را زمینه‌ساز اجرای عدالت در ابعاد گوناگونش مورد توجه قرار داده است. همچنین در این رویکرد، ارتقاء استقلال قوه قضائیه و نظام قضایی می‌تواند نقش مهمی در تحقق عدالت و تضمین حقوق و آزادی‌های اساسی اشخاص ایفا کند و قضات به‌عنوان تصمیم‌گیرندگان حیات، آزادی، حقوق، تکالیف، اموال و دارایی‌های شهروندان در چارچوب همین دستگاه قضایی به فعالیت می‌پردازند.

در این نوشتار برای تبیین تاثیرگذاری رسانه بر فضا سازی جریان اتهامات برخی متهمین ابتدا می‌توان این سوال اصلی را مطرح نمود که: «آیا رسانه و مطبوعات براستقلال قوه قضائیه و اجرای احکام مبتنی بر عدالت تاثیرگذار هستند؟» و در راستای این سوال، سوالات ذیل مطرح می‌شوند:

۱- آیا اصل استقلال قضایی در احکام شرع و اسناد بین‌المللی و نظام‌های حقوقی دنیا محترم شمرده شده و مورد پذیرش قرار گرفته است؟

۲- آیا نظارت قانونمند افکار عمومی بر بهبود روند اجرای عدالت از سوی قوه قضائیه تاثیر گذار است؟

۳- آیا رسانه بی‌شدن احکام مجازات اسلامی در پیشگیری ماجراهای مجرمانه تاثیر گذار است؟

۴- آیا رسانه‌ای شدن ماجراهای مجرمانه (زورگیری) در سرعت رسیدگی و نتیجه نهایی حکم تاثیر است؟

حال با توجه به حاکمیت قانون که یک مؤلفه کلیدی در به کارگیری قانون اساسی و عملکرد پاسداری از آن است (پولی، ۱۳۸۹)، به بررسی حاکمیت قانون به عنوان یک اصل بنیادین، برای حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و چارچوب‌بندی قوای حکومتی پرداخته می‌شود و این نکته مورد توجه است که بایست قانون بر دولت حاکم باشد و دولت با قانون حکومت کند تا جلو دیو استبداد و خودکامگی گرفته شود تا نهایتاً حمایت از حقوق شهروندی، تضمین گردد. (شم ابادی، ۱۳۹۰) که تمامی این موارد به عنوان کاربرت اساسی در عملگرایی قانونی نهادهای قضایی مورد تبیین قرار می‌گیرد.

چهار چوب نظری

امروزه رسانه‌ها، نقش مهمی در آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی در جامعه دارند و برای آنها کارکردهای متفاوت و گوناگونی بیان کرده‌اند که به اختصار به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

الف) کارکرد نظارتی؛ یکی از مهم‌ترین کارکردهای رسانه خبری، نظارت بر محیط است. کارکرد نظارت و حراست از محیط، شامل رساندن اخبار توسط رسانه‌ها می‌شود؛ که برای اقتصاد و جامعه ضروری است. مانند گزارش اوضاع سهام، ترافیک و شرایط آب و هوایی و ... (تانکارد، ورنر؛ ۱۳۸۶، صص ۴۵۰ و ۴۵۱).

ب) کارکرد همگن سازی؛ براساس جامعه شناسی ارتباطات، مخاطبان، توده‌های عظیمی از انسان‌های پراکنده با ویژگی‌های ناشناخته هستند؛ که هیچ گونه پیوندی باهم نداشته و وجه مشترک آن‌ها همان اثری است که از رسانه می‌گیرند. در واقع این رسانه‌ها هستند که عامل پیوند دهنده انسان‌ها با یکدیگر بوده و به آن‌ها هویت جمعی می‌بخشند. بر

دانشجویان را تکمیل می‌کنند. (معمدنژاد، ۱۳۸۵، ص ۵ و دادگران، پیشین، ص ۱۰۹ و ۱۱۰)

(و) کارکرد سرگرم‌سازی و پرکردن اوقات فراغت؛

وسایل ارتباط جمعی به‌عنوان مهم‌ترین ابزار تفریحی و سرگرمی افراد به‌شمار می‌روند؛ که با پخش و انتشار برنامه‌های سرگرم‌کننده بر الگوی رفتار اوقات فراغت انسانی اثراتی تعیین‌کننده دارند و از این طریق است که فرد از تنهایی و زندگی سخت روزمره‌اش رهایی می‌یابد و با محیط بیرونی تماس برقرار می‌کند. (دادگران، پیشین، ص ۱۲۶)

(ز) کارکرد آگاه‌سازی؛

هرچند این وظیفه با مقوله آموزش از طرفی و مقوله خبررسانی جمعی از طرف دیگر، تداخل دارد، اما رسانه‌ها باید علاوه بر انتقال اخبار و اطلاعات، به تحلیل درست اخبار و تشریح آنان نیز پردازند. تحلیل علی پدیده‌های خبری و آگاه‌سازی انسان‌ها از این علل، موجب تغییر در جهان‌بینی انسان‌ها می‌شود. به همین سیاق وسایل ارتباط جمعی بایستی موجبات آگاهی انسان‌ها از کالاهای مورد نیاز را فراهم سازند این وظیفه، یعنی آگاه‌سازی، از آن‌رو از تبلیغ متمایز است که در آن، هیچ کوششی برای خرید کالایی خاص وجود ندارد، همان‌گونه که هیچ کوششی نیز برای ایجاد گرایش به‌سوی دیدگاه خاص وجود ندارد. به تعبیر کاستلز: «رسانه‌ها به‌دلیل اینکه تار و پود نمادین زندگی ما هستند، همچون تجارب واقعی که بر رویاهای ما تأثیر دارند، بر آگاهی و رفتار ما اثر می‌گذارند و مواد خامی را فراهم می‌سازند که ذهن ما با استفاده از آن کار می‌کند.» (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۴۱) «مرتن» نیز بین ناهمنوایی و انحراف یا کژروی تمایز قائل است. بسیاری از افراد ناهمنوا، نظیر منتقدین و مصلحان فرهنگی و اجتماعی، رفتار ناهمنوایانه خود را، یعنی عدم پذیرش اهداف یا راهکار را از دیگران پنهان نمی‌کنند زیرا برای این امر توجهات خاص خود را دارند. اهداف و راه‌های ناهمنوایان هر چند ممکن است در بدو امر با مخالفت توده‌های مردم روبرو گردد ولی بعدها ممکن است به علت تغییر در هنجارها و ارزش‌ها، پیشنهادات و عقاید آنها در مبنای زندگی مردم قرار گیرد و عدول از آن ناهمنوایی و انحراف تلقی شود. (تنهایی، ۱۳۷۱، ص ۳۶) به

این مبنای کارکرد اصلی وسایل ارتباط جمعی، همان مخاطب قراردادن توده‌ها و نه گروه‌های خاص است. به بیان "ژان کازنو"، رسانه‌ها به توده‌سازی می‌پردازند. (آشنا، ۱۳۸۰، صص ۱۹-۲۰)

(ج) کارکرد راهنمایی و رهبری؛

رسانه‌های گروهی با انگیزه‌سازی در مخاطب، می‌توانند ایجاد مشارکت اجتماعی که از عمده‌ترین نقش‌های رسانه‌هاست، را به دنبال داشته باشند. این مهم، یعنی انگیزه‌سازی برای مشارکت، نیازمند شناخت درست از نیازهای مخاطبان است. (کریمی، ۱۳۸۲، صص ۱۲۲ و ۱۲۴)

(د) کارکرد بحران‌زدایی؛

رسانه‌های در عرصه مقابله با بحران‌های اجتماعی، به ایفای نقش پردازند و در کاهش بحران‌های مختلفی مانند بحران هویت یا حوادث تهدیدکننده ثبات اجتماعی، کارکرد مؤثری داشته باشند. (همان، ص ۱۷۰)

(ه) کارکرد آموزشی یا انتقال فرهنگ؛

آموزش براساس تعریفی که سازمان علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) بیان داشته، عبارت است از: «تمام کنش‌ها و اثرات، راه‌ها و روش‌هایی که برای رشد و تکامل توانایی مغزی و معرفتی و هم‌چنین مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار انسان به‌کار می‌روند. البته به‌طریقی که شخصیت انسان را تا ممکن‌ترین حد آن، تعالی بخشند.» (دادگران، ۱۳۸۴، ص ۱۰۹) در این میان رسانه‌های ارتباطی خواه برای این کار برنامه‌ریزی شده باشند و خواه نشده باشند، آموزش دهنده‌اند. رسانه‌ها فراهم‌آورنده دانش و شکل دهنده ارزش‌هایند و مردم همواره از آن‌ها تأثیر می‌پذیرند و می‌آموزند.

اهمیت وظیفه آموزشی وسایل ارتباطی در جوامع معاصر، به‌حدی است که بعضی از جامعه‌شناسان برای مطبوعات و رادیو و تلویزیون و سینما نقش "آموزش موازی" یا "آموزش دائمی" قائل هستند. جامعه‌شناسان معتقدند که وسایل ارتباطی با پخش اطلاعات و معلومات جدید، به موازات کوشش معلمان و اساتید، وظیفه آموزشی انجام داده و دانستی‌های عملی، فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان و

ص ۲۲) «هایبرت» عقیده دارد، در پژوهش‌هایی که درباره‌ی آثار و سبایل ارتباط جمعی بر جامعه انجام گرفته، سه زمینه کلی وجود دارد: تأثیر رسانه‌ها بر شناخت ادراک، تأثیر رسانه‌ها بر تغییر عقیده و ارزش، تأثیر رسانه‌ها بر تغییر رفتار. وی معتقد است که تغییر ارزش‌ها به آگاه بودن و درک محتوای پیام بستگی دارد. اکثر مدارک و شواهد پژوهشی مبین این نظریه هستند که ایجاد عقاید جدید، آسان‌تر از تغییر دادن عقاید موجود است. (همان، ص ۴۲)

۱- تأثیر رسانه‌ها بر مدیریت توانمند و آشنا

رسانه‌ها پیش از هرچیز به مدیریت توانمند و آشنا به جدیدترین مسایل حوزه فعالیت خود نیازمندند تا با تخصیص بودجه مناسب و گزینش نیروی انسانی ماهر به تولید پیام و اطلاعات بپردازند. با انقلاب الکترونیکی و پیشرفت روزافزون تکنولوژی ارتباطات، ضمن این که دریافت تصاویر شبکه‌های تلویزیونی جهانی از طریق ماهواره امکان‌پذیر شده، قابلیت فعالیت جهانی تمامی رسانه‌ها با اتصال به شبکه اینترنت نیز فراهم گشته، بنابراین مسایل جدیدی در حوزه رابطه جرم و رسانه از منظر دولت ملی پدید آمده است.

بدون تردید، رسانه‌های جمعی، اعم از تلویزیون و مطبوعات و سایر رسانه‌ها، در افزایش و یا کاهش مشارکت در پدیده‌ها و مسایل اجتماعی نقش ارزنده‌ای ایفاء می‌کنند. از این رو، رسانه‌های توانایی کانالیزه کردن و سازمان دادن مشارکت مردم را دارند و می‌توانند با ارائه اطلاعات و آگاهی‌های لازم پیرامون یک واقعه اجتماعی افکار عمومی را به سوی آن بخوانند. مهم‌ترین مسیر رسانه‌ها برای جلب مشارکت، آموزش است. (کاترینی، ۱۳۸۰، ص ۳۷) تجربیات نشان داده است که مشارکت مبتنی بر شرایط بسیار نابرابر آموزشی و اطلاعاتی، این خطر را در پی دارد که نابرابری‌های موجود را تشدید کند. (همان، ص ۴۲)

۲- سیاست‌های کلی سیستم قضایی و استقلال

قضایی و جایگاه قوه قضائیه در قانون اساسی

قوه قضائیه به دلیل ماهیت خاص آن و مأموریت‌هایی که قانون بر عهده آن گذارده، شاید پرمخاطب‌ترین مجموعه نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. مخاطبان بالقوه دستگاه

نظر «آنتونی گیدنز»، هنجارها در میان فرهنگ‌های مختلف و حتی بین خرده فرهنگ‌های گوناگون درون یک جامعه فرق می‌کنند یعنی ممکن است امری که در یک محیط فرهنگی، طبیعی است در محیط فرهنگی دیگری انحرافی باشد و همه هنجارهای اجتماعی با ضمانت‌های اجرایی همراه هستند که از آنها در مقابل ناهمنوایی حمایت می‌کنند. همچنین ضمانت اجرایی، هر واکنشی از سوی دیگران نسبت به رفتاریک فرد یا گروه است که هدفش تأمین اطلاعات از هنجار معینی می‌باشد. (همان، ص ۶۸) «لرنر» بر این باور است که رسانه‌ها مناسب‌ترین و مؤثرترین ابزار تغییر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها و به بیان دیگر ایجاد تحرک فردی و اجتماعی هستند. (فرقانی، ۱۳۸۰، ص ۹۰) این وسایل موجب به وجود آوردن تجارب جدید مختلفی می‌شوند، که لرنر آنها را عوامل افزایش تحرک روانی می‌داند. (روشه‌گی، ۱۳۶۶، ص ۲۳۲)

شیوه‌های اثرگذاری وسایل ارتباط جمعی

به‌طور کلی در خصوص اثرگذاری رسانه‌ها چند دیدگاه وجود دارد. گروهی اعتقاد دارند که رسانه‌ها عامل تغییر هستند اما گروهی دیگر، رسانه‌ها را نه عامل بلکه ناقل تغییر می‌دانند. برخی از صاحب‌نظران نیز هم بر اهمیت نهادهای سیاسی - اقتصادی و هم بر نقش رسانه‌ها تأکید می‌کنند. اما جدا از این نظریه‌ها، مهم آن است که بدانیم بسیاری از صاحب‌نظران بین جهان واقعی و جهان نمایش داده شده توسط رسانه‌ها، تفاوت قایل هستند. به‌زعم آنها در دنیای امروز، واقعیت‌ها، رسانه‌ای شده‌اند. به عبارت دیگر، ساختارهای انتقال پیام (رسانه‌ها) در فرایند ارسال، پیام‌ها را گزینش و ارزش‌گذاری می‌کنند و از این رو برخی اخبار و گزارش‌ها و... مهم‌تر از حد معمول مورد توجه قرار می‌گیرد. (کاستلز، پیشین، ۱۳۸۰)

«هایبرت»^۱ معتقد است، وسایل ارتباط جمعی نقش بسیار مهمی در ارائه و شکل‌گیری عقاید و همچنین آشنا ساختن ما با دنیایی که امکان آن را به نوع دیگری نداریم، ایفا می‌کند. بسیاری دریافته‌اند که رسانه‌ها آثاری مهم و فراگیرنده دارند. این آثار نه تنها مستقیم و فوری قابل مشاهده هستند، بلکه عمیقاً بر تاریخ بشریت نیز تأثیر گذاشته‌اند. (اعرابی، ۱۳۷۲،

1. Hybert

کرامت انسان‌ها را خدشه دار می‌کند بپرهیزد. تحمل و مدارا - صلح و عفو را جایگزین فرهنگ تخاصم و استقام و عقده‌گشایی کند. نه اینکه به جای پاسخگویی و حرمت نهی به مرده مدام همایش‌های پرهزینه راه بیندازد و بخواهد با بیل برد تبلیغ خود را معرفی کند که بفرموده امام علی بهترین معرف، عمل است و میدان عدالت‌ورزی گرچه وسیع‌ترین‌ها در مقام ادعا و سخن پراکنی ولی تنگ‌ترین‌ها در عرصه عمل و اقدام است. در این راستا می‌توان سیاست‌های کلی حاکم بر سیستم قضایی را چنین بیان نمود؛

الف) امنیت قضایی

در بخش سیاست‌های کلی نظام در خصوص امنیت قضایی در سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی می‌توان رجوع نمود و براساس آن به اهداف امنیت قضایی پی‌برد.

ب) حاکمیت قانون در نظام قضایی

برابر اصل یکصد و پنجاه و ششم قانون اساسی؛ "قوه قضائیه، قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت و عهده‌دار وظایف زیر است:

- ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد تظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند.
- ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع.
- ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین.
- ۴- کشف جرم و تعقیب و مجازات و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات مدون جزائی اسلام.
- ۵- اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین" (زمانی درمزاری (فرهنگ)، ۱۳۹۳).

ج) استقلال قضایی و تحقق عدالت

منظور از استقلال قضایی این است که دادرسان در صدور رای تنها قانون و وجدان را حاکم اعمال خود قرار دهند و توجهی به دستور ها، نظرها و خواسته‌های دیگران نداشته

قضایی، همه آحاد ملت هستند و از این حیث مهم‌ترین کارکرد آن، باید تأمین نیاز این مخاطب انبوه - که همانا اطلاع‌رسانی است - باشد.

قوه قضائیه به دلیل ماهیت خاص آن و مأموریت‌هایی که قانون بر عهده آن گذارده، شاید پرمخاطب‌ترین مجموعه نظام جمهوری اسلامی ایران باشد. مخاطبان بالقوه دستگاه قضایی، همه آحاد ملت هستند و از این حیث مهم‌ترین کارکرد آن، باید تأمین نیاز این مخاطب انبوه - که همانا اطلاع‌رسانی برای آنان است - باشد. این مطلب می‌کوشد به پاره‌ای از ضرورت‌های توجه ویژه به بحث اطلاع‌رسانی در قوه قضائیه بپردازد:

رویه‌ها و سیاست‌های کلی در قوه قضائیه

سنت‌های حسنه و رویه‌های ممدوحی نظیر ملاقات‌های بی‌واسطه مردم با مسئولین و عادت به التزام به پاسخگویی به مردم، ذائقه عمومی را دستخوش تغییر قرار داده و متضمن برکات فراوانی برای کشور است. تعیین و تبیین شفاف حقوق و آزادی‌های مدنی و سیاسی و ضمانت اجرای مؤثر آنها در کنار نهادینه سازی نظام پاسخگویی فراگیر و کارآمد و استمرار در زدن بر طبل "حاکمیت قانون" یک سیاست بی‌همارود و راهبردی است.

گسترش و استقرار ارزش‌های بنیادین حکمرانی خوب با تقید به موازین اسلامی و معیارهای حقوق بشر و شهروندی نمی‌تواند با ساختاری ناهمگون - بی‌تقید به پاسخگویی و شفافیت نسبت به مردم - فاقد نظارت و سیستم‌های قوی کنترلی و خودپالایی حاصل گردد. اگر رویکردهای سیاسی - جناحی در فضای گفتمانی دستگاه قضائی رواج یابد یا اصل بی‌طرفی به محاق رود نباید انتظار جدی نسبت به ترمیم افکار عمومی داشت. تصنع و تظاهر به مردم‌داری کارایی نخواهد داشت اگر تقید به پاسخگویی به مردم و ولی نعمت بودن ایشان در فضای گفتمانی ما موج نزند؛ وجدان اجتماعی از عبارات و مواضع متخذه سازمان و روابط عمومی به یک تبادر ذهنی و قضاوت قریب به واقع نسبت به سیستم دست می‌یابد.

مسئول باید ادبیات خود را با مردم آنچنان که در خور شأن والای ایشان است تنظیم کند و از بکار بردن عباراتی که

کیفری به زیان دیگری، به موضوع دادرسی رسیدگی کند و با عدم تمایل به یکی از طرفین، توازن عدالت و انصاف را به زیان دیگری بر هم نزنند. استقلال بدین معنا است که، دادگاه تحت نفوذ سایر نهادهای حکومت نباشد. دو اصطلاح استقلال و بی‌طرفی معمولاً توأمان به کار می‌روند؛ هرچند در دادرسی عادلانه شئون متفاوتی دارند. بی‌طرفی به معنای جانبداری نکردن از شخص یا چیزی مانند عقیده، رأی یا حکم است. به عبارتی، بی‌طرفی شامل عدم تعصب، استقلال و عدم تعهد است. استقلال، مصونیت از عوامل خارجی است و بی‌طرفی، مصونیت از عوامل درونی که می‌تواند تحت تأثیر شرایط خارجی قرار گیرد. (فضائلی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷).

عوامل تهدیدکننده استقلال قضایی

عوامل تهدیدکننده قضایی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد:

گروه اول - جهات قانونی: در اطن رابطه می‌توان به مقررات زیر اشاره کرد:

- ۱- قانون اساسی
 - ۲- محکمه عالی انتظامی قضات
 - ۳- قانون رسیدگی به صلاحیت قضات
- گروه دوم- جهات عملی: علل و جهات عملی برای نفوذ در قاضی و از بین بردن یا تضعیف استقلال قضایی او فراوان است. صلاحیت و اختیارات مسئولان قوه قضاییه هر چقدر بیشتر باشد به همان نسبت استقلال قضات دستخوش اعمال نفوذها قرار می‌گیرد، که خواهی نخواهی آشکارا و نهان استقلال قاضی را متزلزل می‌کند که در این راستا می‌توان به دست‌های پنهان و مشکلات رسیدگی به اتهام متهمان اشاره کرد.

رسیدگی به اتهام متهمان مرتبط با قدرت و ثروت در مراجع قضایی همواره با مشکلاتی مواجه بوده است. نخستین بار، ساترلند برای این‌گونه متهمان، عنوان «مجرمان یقه سفید» را به کار برد. این مجرمان که ظاهری موجه و باطنی فاسد دارند؛ افراد فرصت‌طلبی هستند که از طریق وابستگی به مقامات و مسئولان حکومتی یا با خوش خدمتی به آنان، در ارکان قدرت نفوذ کرده و از این طریق موجبات برقراری ارتباط با

باشند از هیچ مانع و رادعی نهراسند و بیم انفصال تنزیل رتبه و مقام تغییر محل خدمت و موقعیت شغلی به خود راه ندهند. استقلال در تصمیم‌گیری و صدور هر نوع حکم و یا قرار، لازمه قضاوت عادلانه است که در پرتو آن، امنیت قضایی، تضمین و حقوق و آزادی‌های متهمان، تأمین می‌گردد.

استقلال در تصمیم‌گیری و صدور هر نوع حکم و یا قرار لازمه قضات است استقلال دادرسی امنیت قضایی را تضمین می‌کند و در نتیجه برای حفظ حقوق و آزادی‌های انسان‌های گرفتار در چنگال عدالت پناهگاه مهمی است این استقلال باید تأمین گردد والا دادرسی مفهوم خود را از دست می‌دهد. (آخوندی، ۱۳۵۲) استقلال نهادی لازم دارد تا قادر به انجام وظایف خود به دور از نفوذ حکومت یا دیگر عاملان دولت باشد. جنبه اساسی استقلال نهادی تأمین و تضمین بودجه کافی برای این قوه جهت نیل به اهداف عالی نظم و امنیت و عدالت است. استقلال قضایی^۲ به عنوان اصل تبعی نظریه تفکیک قوا لازمه و پیامد منطقی این اصل است.

د) اصل بی‌طرفی

اصل بی‌طرفی قضایی جنبه دیگر استقلال قضایی است. فقدان بی‌طرفی بطور ضمنی اشاره به فقدان استقلال فردی و نهادی دارد. حق بر دادرسی توسط یک دادگاه بی‌طرف چنان اساسی است که کمیسیون حقوق بشر اظهار نموده است که آن «یک حق مطلق (غیر مشروط) است که هیچ استثنایی را بر نمی‌تابد و همچنین بی‌طرفی دلالت دارد که قضات نباید پیش داوری‌هایی را درباره موضوع مطروحه در حضور آنان در سر بپروانند و اینکه آنها نباید به شیوه‌ای عمل کنند که منافع یکی از طرفین را ارتقاء دهند. دیوان اروپایی مقرر داشته که قضات نباید پیش‌پنداشتهایی درباره استحقاق‌های یک دعوی داشته باشند»^۳.

۳- رابطه بی‌طرفی دادگاه با استقلال آن

بی‌طرفی دادگاه در این مفهوم شامل بی‌طرفی قاضی و استقلال دادگاه است. منظور از بی‌طرفی قاضی آن است که قاضی با رعایت اصل بی‌طرفی از یکی از طرفین دعوای

2 . judicial independency

3 . <http://www.amnestyusa.org/fair-trial-manual>

بیش تر به متهمان یا مراجع قضایی منتشر می‌شوند تا بررسی بازتاب‌ها و واکنش‌ها امکان‌پذیر شود. در برخی موارد، این گونه اخبار با هدف تهییج افکار عمومی منتشر می‌شود؛ تا سطح مطالبات مردمی افزایش یابد. اقدام رسانه‌ها در مورد انتشار اخباری مبنی بر سکوت یا بی‌تفاوتی یا عدم پی‌گیری مراجع قضایی در خصوص برخی متهمان مشهور و یا طرح مطالبه‌ی محاکمه‌ی برخی از آنها، مؤید این طرز تفکر است که می‌توان با افزایش فشارهای رسانه‌ای، مسؤولان قضایی و اجرایی را به واکنش واداشت. در تأیید این دیدگاه باید پذیرفت که رسانه‌ها توانسته‌اند در این بخش موفقیت‌هایی کسب نمایند؛ اما هنر اصلی قوه‌ی قضاییه، آن است که در حد ضرورت و به دور از هیاهو، اطلاع‌رسانی کند؛ زیرا آن‌چه مؤثر واقع می‌شود، محاکمه و اجرای حکم این گونه متهمان است. (جعفری دولت‌آبادی، ۱۳۹۱)

۴- تأثیر رسانه در حکم قضایی

رسانه‌ای شدن اتهامات یقه‌سفیدها و حملات

رسانه‌ای علیه مراجع قضایی

تجربه عملی نشان داده است انتشار اخبار متهمان یقه‌سفید و افشاگری در خصوص مضمون پرونده‌های مهم و مرتبط با آنان، بدون آن‌که نتیجه‌ی عملی چندانی به همراه داشته باشد، مراجع قضایی را درگیر حواشی غیرضروری می‌نماید. از این رو اطلاع‌رسانی باید به نحو هدفمند، منطبق با مقررات و پس از عملی شدن اقدامات صورت گیرد. رسانای شدن اتهامات، زمینه‌ی برخی حملات رسانه‌ای علیه مراجع قضایی را فراهم می‌آورد. در دنیای امروز، پنهان کردن اخبار با مشکلات جدی مواجه شده است، اما مرجع قضایی نیز مکلف است در چهارچوب مقررات اقدام کند. اطلاع‌رسانی باید در حد ضرورت و خارج از برخی هیجانات کاذب صورت گیرد. (حکم اعدام زورگیران تهران^۴)

۴. اجرای حکم اعدام علیرضا و محمدعلی در سحرگاه نخستین روز بهمن امسال ۱۳۹۲ در خیابان بهشهر ۴۷ دقیقه به طول انجامید. ۴۷ دقیقه‌ی که با وارد شدن متهمان به محل اجرای حکم آغاز و با انتقال اجسادشان توسط خودروی بررسی صحنه جرم به پایان رسید. عقربه‌های ساعت برای محمدعلی و علیرضا دو زورگیری که ۵۰ روز پیش با تهدید قمه از یک شهروند تهرانی زورگیری کرده بودند برای همیشه در ساعت ۶:۳۱ پامداد یک بهمن ایستاد و پرونده این زورگیری ظرف ۳۷ روز بسته شد.

مراجع قدرت، شامل مقامات دولتی، انتظامی و قضایی را فراهم می‌آورند؛ بدین ترتیب، چنین افرادی خود را در حصار قوی عدم تعقیب قرار می‌دهند. به‌طور کلی تعقیب مجرمان یقه‌سفید با موانع و مشکلاتی جدی و مواجه است.

نقش مطبوعات و رسانه‌ها و نهاد های مدنی در نظارت برون سازمانی در قوه قضائیه

نقش بی‌بدیل مطبوعات، سایت‌های خبری و رسانه‌های جمعی به عنوان یکی از مصادیق عمده در کنترل و نظارت مردمی و برون سازمانی بر کسی پوشیده نیست. مهم‌ترین و قابل اعتمادترین رسانه موجود برای نظام، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است. آیا برنامه‌سازان این رسانه عظیم، بدون دغدغه می‌توانند نسبت به اتفاقاتی که در حوزه قضا می‌گذرد ورود پیدا کنند؟ با رصد برنامه‌های صدا و سیما بسیار واضح است که نقد دستگاه قضا جایگاه جدی در این رسانه ملی ندارد. اگر صدا و سیما نقاد دستگاه و مسوولین ارشد قضا و بیان‌کننده مشکلات و معضلات آن نباشد نامحرمان ملت و کشور از آن سوی دیگر کار را به دست خواهند گرفت.

نقش رسانه‌ها در فشار بر مراجع قضایی

پیشرفت تکنولوژی در عرصه‌ی اطلاعات و ارتباطات، نقش اینترنت و ایجاد پایگاه‌های خبری، تحولات مربوط به مجرمان یقه‌سفید را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. اخبار مربوط به این متهمان، حجم وسیعی از اخبار و گزارش‌های خبری را به خود اختصاص می‌دهد. سایت‌های خبری و نشریات مکتوب، با انتشار اخبار مهم توانسته‌اند قدرت خود در تغییر و تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی به نمایش گذارند. هراس متهمان از رسانه‌ای شدن برخی اخبار و اتهامات خود، از قدرت نفوذ رسانه‌ها حکایت دارد. در سال‌های اخیر با قدرت گرفتن محاکمه‌ی برخی رانت‌خواران، اخبار متعدد و متناقضی در خصوص این متهمان منتشر می‌شود.

انتشار اخبار غیر واقعی یا بازتاب مطالبی که از صحت کمی برخوردار است، از جمله آفات رسانه‌ای شدن اخبار قضایی است. در واقع برخی اخبار و گزارش‌ها برای وارد کردن فشار

ای^۹ در رابطه با زورگیران می‌گوید، پرونده‌ای تشکیل شده و در چارچوب آیین دادرسی به آن رسیدگی شده است. همه متهمان این پرونده وکیل داشتند، پرونده در دادسرا بود، کیفرخواست صادر شد و به دادگاه رفت، متهمان به رای اعتراض کردند، به دیوان عالی کشور فرستاده شد و در آنجا حکم آنها را دیوان عالی کشور تایید کرد، پس از آن حکم آنها اجرا شد، یعنی همه ضوابط و مقررات آیین دادرسی در این پرونده رعایت شده است. فائق^{۱۰} در اینکه زورگیران تهرانی مجرم و مستحق مجازات بودند نمی‌توان شک و تردید کرد زیرا قرار گرفتن در جایگاه قربانی چنین افرادی آن هم زمانی که زور و چاقو و قدرت را در اختیار دارند شوکه کننده و غیر قابل تصور است. سارقین و افراد شرور که بعضاً بهنگام انجام چنین اقداماتی اقدام به شرب خمر کرده یا مواد مخدر مصرف می‌کنند در زمان تحرکات خود هیچکس را بر نمی‌تابند و با عریده کشی و فریاد و قمه چرخاندن، شهروندان را به هراس و نگرانی انداخته و بارها دیده شده که حتی به عابران نیز رحم نمی‌کنند که بر این اساس مجازات آنها به صورت علنی و برای عبرت سایرین ارزشمند و قابل قبول است اما در معرکه این سرعت عمل و مجازات فوری و سریع نکات مهم دیگری نیز می‌بایست مورد بررسی و کنکاش و مذاقه قرار گیرد.

نقد تأثیر فضا سازی بر حکم اعدام مه آفرید امیر خسروی

با این حال حکم دادگاه انقلاب در برگ‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ به ارتباط امیرخسروی متهم اصلی این پرونده با «جریان انحرافی» که یک اصطلاح سیاسی و مربوط به گروه حاکم دولتی است اشاره کرده و اعمال مجرمانه وی را به قصد ضربه زدن به نظام یا مقابله با آن و با علم و آگاهی برشمرده است.

الف) روند فضا سازی نمایندگان مجلس با امضای بیانیه

پس از صدور خبر تایید حکم دادگاه انقلاب در شعبه ۱۳ دیوان کشور ۱۷۰ تن از نمایندگان مجلس با امضای بیانیه‌ای

همچنین کارشناسان آگاهی اعتقاد دارند، در میان جرایم مربوط به سرقت، بی شک بدترین جرایم «کیف قاپی» و «زورگیری» است که گذشته از دست رفتن مال، هم جان قربانی به مخاطره می‌افتد و هم ترس وحشتناکی تا مدت‌ها همراه قربانی بوده و زندگی و خانواده وی را تحت تأثیر قرار خواهد داد به عبارتی اثرات روحی و روانی این جرایم برای قربانی به مراتب خطرناک‌تر از صدمات مالی است. از آنجایی که حکم صادره بر مبنای قانون مجازات اسلامی صادر شده، در اینجا به بررسی این موضوع و دلایل تشدید مجازات مجرمان و تحلیل قانون در این رابطه پرداخته شده است.^۵ بهمن کشاورز^۶ جزو گروهی است که معتقدند، رسانه‌ی شدن ماجرای زورگیری در سرعت رسیدگی و نتیجه نهایی حکم بی تأثیر نبوده است. ناصر قوامی^۷ با تأکید بر لزوم محرز شدن دو مطلب در محارب بودن فرد باید توضیح داد که: اول اینکه قصد شخص اخافه الناس، باید ایجاد رعب و وحشت در جامعه باشد و قاضی نیز احراز کند که هدف او ایجاد رعب و وحشت در جامعه بوده است؛ «الاخافه الناس» یعنی ایجاد رعب و وحشت در جامعه نه برای یک یا دو نفر. دومین شرطی که باید توسط قاضی احراز شود این است که حرکت این شخص واقعاً جامعه را وحشت زده کرده باشد بنابراین احراز این دو شرط برای تشخیص محارب بودن فرد توسط قاضی لازم است. دکتر نجفی توانا^۸ اعدام را باید در موارد بسیار استثنا اعمال کرد و در این گونه موارد بهتر است عمل، سرقت مشدد تلقی و مرتکب به حداکثر مجازات این جرم محکوم شود.

برای محارب تلقی کردن مرتکبین برخی از جرایم در شرع مقدس اسلام قواعد فقهی مشخصی وجود دارد که بر اساس این قواعد اگر کسی با اسلحه اعم از سرد و گرم راه عبور را بر مردم ببندد و در جاده‌ها مرتکب سرقت شود، به‌عنوان قطاع‌الطریق قابل مجازات اعدام شناخته می‌شود. محسنی‌اژه-

۵. دوشنبه، ۰۲ بهمن ۱۳۹۱

۶. وکیل دادگستری و حقوقدان، در گفت و گو با خبرنگار شفقنا (پایگاه بین المللی همکاری های خبری شیعه)

۷. حجت الاسلام و المسلمین ناصر قوامی، رییس اسبق کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی

۸. حقوقدان و وکیل دادگستری

۹. حجت الاسلام و المسلمین محسنی اژه‌ای سخنگوی قوه قضاییه

۱۰. آسیب شناس و محقق

انقلاب در شعبه ۱۳ دیوان کشور، صدا و سیما به تفصیل سخنان مقامات قضایی را بازتاب داد و به تبلیغات درباره فساد بزرگ سه هزار میلیارد تومانی ادامه داد. هرگز سابقه نداشته است یک پرونده مالی با چنین جنجال رسانه‌ای علیه اشخاصی که محکومیت یافته‌اند روبرو شود. قطعاً انگیزه این تبلیغات رسانه‌ای فراهم کردن زمینه اجرای این احکام بوده است. این در حالی است که میزان مطالبات باقیمانده و سر رسید نشده بانک‌ها اکنون در مرز ۱۹۰۰ میلیارد تومان است. دو روز بعد در ۹ اسفند ۱۳۹۱ متن گفتگوهای این همایش و فایل صوتی آن روی سایت «رساله حقوق» قرار گرفت. بازتاب انتشار سخنرانی‌های این همایش آن بود که باز هم دست اندرکاران صدا و سیما وارد عمل شدند و در برنامه‌های خبری شبکه یک سیما در ساعت‌های ۷ و ۹ بعدازظهر همان روز با پخش چند سناریوی تبلیغاتی برای خنثی کردن واقعیت‌های حقوقی که در این همایش مطرح شد و اجرای احکام محکومیت یافتگان این پرونده زمینه‌سازی کردند.

نتیجه

رسانه‌ها علی‌رغم تمامی کارکردهای مثبتی که دارند، گاه با وابسته کردن مردم و فضا سازی از نظر اطلاعات، سعی در دیکته کردن هنجارها متضاد و مغایر با کارکرد عدالت-خواهانه نظام قضایی در خصوص متهمان دارند؛ به طوری که به جرأت می‌توان گفت که شهروندان بیشتر برداشت‌های فکری و ظاهری خود را از رسانه‌ها می‌گیرند. که در این نوشتار به مواردی چند اشاره گردید. با آنچه بیان شد، مشخص گردید که؛ قوه قضائیه، چشم و چراغ عدالت‌خواهی و قانونمندی هر جامعه و کشوری است و توجه به شان و جایگاه حقوقی و قانونی آن و عنایت به نقش و دستاوردهای قانونی و عدالت‌خواهانه آن، بستری مناسب از اعتماد و امنیت و احترام نسبت به قانون و مسئولان و نظم‌پذیری در مردم و شهروندان را در پی خواهد داشت و در صورت بی‌توجهی بدان، عدم رعایت الزامات قانونی مربوط به قوه قضائیه و عدم توجه به اصول و هنجارهای بین‌المللی و حقوق بشری مربوط به نظام دادرسی عادلانه و وکالت شایسته و دادگستری شایسته، موجبات بی‌اعتمادی مردم و سلب امنیت عمومی آنها و نقض حقوق شهروندی مردم و آزادی‌های اساسی آنها و نیز

از عملکرد قوه قضائیه در برخورد با مفاسد اقتصادی حمایت کردند که این بیانیه به ناروا از تریبون مجلس خوانده شد و در بخشی از آن چنین آمده است: «پیگیری مُجدّانه قوه قضائیه و محاکمه دست اندرکاران اختلاس ۳ هزار میلیارد تومانی! و در نهایت صدور احکام قاطع و صریح، موجب امیدواری مردم و تمامی دلسوزان در برخورد جدی و مستمر با اینگونه مفاسد است.»

نمایندگان مجلس با توجه به اعتراضاتی که به حکم دادگاه انقلاب پیش از تأیید آن در دیوان کشور در سایت‌ها و رسانه‌ها انتشار یافت و اگر آن چنان که در بیانیه آنان آمده است حقیقتاً بر این باورند که سه هزار میلیارد تومان از بیت-المال اختلاس شده است وظیفه داشته و دارند برای بررسی چند و چون این پرونده یک کمیسیون ویژه تشکیل دهند و با تحقیق و تفحص درباره عملکرد بانک‌ها و قوه قضائیه در این پرونده و هیاهوی رسانه‌ای صدا و سیما را مورد بررسی قرار دهند.

ب) تبلیغات رسانه‌ای و فضا سازی رسانه‌ای علیه متهمان

پیرو انتشار اخباری در رسانه‌ها به ویژه صدا و سیما در مرداد سال ۱۳۹۰ مبنی بر بازداشت رئیس شعبه بانک صادرات اهواز و مدیران گروه ملی صنعتی فولاد و تشکیل پرونده‌ای که نام «فساد سه هزار میلیارد تومانی» به آن داده شد هر از چندی خبرهایی در صدا و سیما درباره این پرونده با همین نام پخش می‌شود. این رسانه که بر پایه اصل ۱۷۵ قانون اساسی تکلیف دارد آزادی بیان و نشر افکار را فراهم سازد و امکانات مالی سنگینی از بودجه کشور و مالیات‌هایی که مردم می‌پردازند. در اسفند ماه سال ۱۳۹۱ ناگهان خبر تأیید دادنامه نخستین از سوی شعبه ۱۳ دیوان اعلام شد و بار دیگر صدا و سیما در مقام فضا سازی علیه متهمان برآمد. علنی بودن دادرسی در این پرونده رعایت نشده است و البته صحنه دادگاه نشان داده شده است. وقتی در دادگاه ۳۹ متهم باشد و ۳۹ وکیل یک جمعیت بزرگی را به نمایش می‌گذارد و این را صدا و سیما به‌عنوان علنی بودن به ملت ایران منتقل کرد ولی علنی بودن که قانون می‌گوید این است که خبرنگاران در آنجا باشند و گزارش‌های دادگاه را منظم منتشر کنند. با تأیید حکم دادگاه

فساد فزاینده در دادگستری و نظام دادرسی را در ابعاد و جنبه‌های گوناگون آن با خود به همراه خواهد داشت که نه در شان قوه قضائیه بوده و نه اهداف مورد نظر مقنن و قانون-گذار را تامین خواهد کرد و نه با انتظارات و خواسته‌های به حق مردم و شهروندان همسویی دارد!

در نهایت؛ استقلال دستگاه قضایی و آثار حاکمیت قانون در گسترش عدل، حمایت از حقوق عامه و حمایت از آزادی‌های مشروع، پیشنهاد می‌شود؛ دادستان‌ها در عین حفظ استقلال دستگاه قضایی و همکاری با مسئولین اجرایی و انتظامی، به نحوی انجام وظیفه نمایند که اقدامات و عملکرد آن‌ها به تقویت حاکمیت قانون کمک کند.

برای پرهیز از تغییر مکرر قوانین که مبتنی بر نگاه مرسوم و متعارف به دادگاه‌ها و شهروندان و مردم به عنوان "آموزشگاه و آزمایشگاه" می‌باشد؛ قوه قضائیه باید برای در اختیار داشتن نیروهای قضایی، اداری و مدیریتی متخصص و کارآمد ضمن تکیه بر علوم پایه به راه آوردهای علمی در حیطه حقوق آگاهی و اشراف پیدا نماید. بنابراین تقویت مراکز علمی و برگزاری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزش مستمر برای تقویت دانش منابع انسانی ضروری می‌باشد. پرهیز از رسانه‌ای نمودن اتهامات افراد، بخصوص زمانی که در جریان اتهامات منافع ملی و حقوق عامه شهروندی مورد تجاوز قرار گرفته باشد، که در این صورت فعالیت روابط عمومی و سخنگویی کار آموخته از سوی قوه قضائیه می‌تواند از تاثیرگذاری جریانات کور رسانه بر صدور، اجرای احکام تاثیر گذار باشد. در اطن راستا، توجه به عدالت که اولین مقصد اعمال قانون از جانب سیستم قضایی در تامین حق آزادی برای متهم است، تعیین وکیل از سوی متهم که طبق قانون آئین دادرسی کیفری، حقی قانونی است، توجه به تعیین وکیل و تامین آزادی دفاع وکیل از زمان اتهام تا انتهای صدور حکم ضروری به نظر می‌رسد.

فهرست منابع

۱۵. زمانی درمزاری (فرهنگ)، محمد رضا، ۲ تیر ۱۳۹۳

16. <http://www.khabaronline.ir/detail/287055/wblog/zamanidarmazari>

۱۷. آخوندی، محمود، استقلال قضات در نظام حقوقی ایران، ۵۲/۰۱

<http://www.ghavanin.ir/PaperDetail.asp?id>

جعفری دولت آبادی عباس، (دادستان عمومی و انقلاب

تهران)، تعقیب مجرمان یقه سفید و چالش های آن، ۹۱/۳/۰۷

<http://farsnews.com/newstext.php?nn=>

۱۳۹۱۰۳۰۷۰۰۱۳۴۲

18. <http://www.amnestyusa.org/fair-trial-manual>

19. <http://www.fardanews.com/fa/news/243251/%D9%88%D8%B5%DB%8C%D8%AA->

۱. آشنا، حسام‌الدین، مقاله مخاطب‌شناسی رسانه، نشریه پژوهش و سنجش، ۱۳۸۰، شماره ۲۶.

۲. اعرابی، نادره (۱۳۷۲)، انتقال ارزشی از طریق تلویزیون ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه بهشتی.

۳. تانکارد، جیمز و سورین، ورنر؛ نظریه‌های ارتباطات، علیرضا دهقان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۶، چاپ سوم.

۴. تنهایی، ح، ابوالحسن، (درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی)، نشر مرنديز، مشهد، ۱۳۷۱.

۵. دادگران، سید محمد (۱۳۸۴)، مبانی ارتباط جمعی، تهران، نشر مروارید و فیروزه، چاپ هشتم.

۶. روشه گی (۱۳۶۶)، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران، نشر نی.

۷. فرقانی، محمدمهدی (۱۳۸۰) «ارتباطات و توسعه؛ چهار دهه نظریه پردازي و امروز». فصلنامه رسانه، سال دوازدهم، شماره ۲.

۸. فضائلی، مصطفی، دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین‌المللی، تهران، شهر دانش، چاپ نخست، ۱۳۸۷.

۹. کاستلز، مانوئل. عصر اطلاعات، جامعه شبکه‌ای (جلد ۱)، ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو، ۱۳۸۰.

۱۰. کاترینی، مشارکت و توسعه، ترجمه هادی غبرانی و دیگران، اطلاعات، ۱۳۸۰.

۱۱. کریمی، سعید؛ رسانه‌ها و راه‌های تقویت مشارکت مردم در صحنه‌های سیاسی و اجتماعی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲، چاپ اول.

۱۲. معتمدنژاد، کاظم؛ وسایل ارتباط جمعی، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۸۵، چاپ پنجم، جلد اول.

۱۳. پو لی، دستورگرایی و حاکمیت قانون، ترجمه: جواد کارگزاری، ۸۹/۱۰/۰۹

<http://publiclaw.blogfa.com/post>

۱۴. شم ابادی ابوالقاسم، تعریف و پیشینه حاکمیت قانون، ۹۰/۱۱/۱۹

<http://abolghasemshamabadi.blogfa.com/post/www.irandoc.ac.ir/www.irandoc.ac.ir/>